

(قرابت معنایی)

فارسی موضوعی محک



مشترک همه رشته‌ها

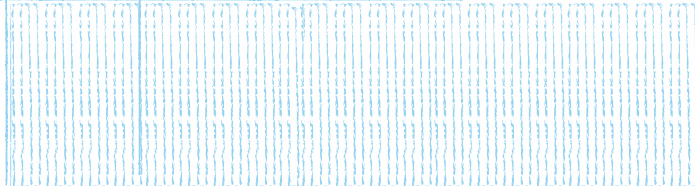
# قلمرو فکری

دهم  
یا دهم



دکتر علی احمدنیا

تو گر عمرت هدر دادی همه را گر تو پر دادی  
مده بر باد باقی را که حکمی چون گهر دارد  
تو را باید محک باشد به راهت آن کمک باشد  
وگرنه سکه جعلی تو پنداری که زر دارد







### دای نام تو بهترین سراساز بی نام تو نامدگی کم باد،

برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی در نظام آموزشی ایران اسلامی، جایگاه ارزشمند دارد؛ چراکه از یک سو حافظ میراث فرهنگی و از سوی دیگر مؤثرترین ابزار انتقال علوم، معارف، ارزش‌های اعتقادی، فرهنگی و ملی است.

کتاب فارسی دوره متوسطه، بر بنیاد رویکرد عام «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» یعنی شکوفایی فطرت الهی، استوار است و با توجه به عناصر پنج‌گانه (علم - تفکر - ایمان - اخلاق و عمل) و جلوه‌های آن در چهار پهنه (خود - خلق - خلقت و خالق) بر پایه اهداف «برنامه درسی فارسی» سازماندهی و تألیف شده است.

برای اجرای بهتر این برنامه و اثربخشی فرایند آموزش یادآوری چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- 1- رویکرد خاص برنامه فارسی آموزشی، رویکرد مهارتی است یعنی براساس آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی و فرازبانی ادبی تأکید دارد و ادامه منطقی کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی و دوره اول متوسطه است؛ به همین روی، لازم است شما عزیزان از ساختار و محتوای کتاب‌های پیشین، آگاهی داشته باشید.

- 2- رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین، طراحان و به‌کارگیری شیوه‌های آموزشی متنوع و روش‌های همپاری و گفت‌وگو توصیه می‌شود. حضور فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری، کلاس را سرزنده، بانشاط و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری، ژرفای بیش‌تری می‌بخشد.

- 3- در بخش مهارت‌های خواندن، بایسته است ویژگی‌های گفتاری و آوایی زبان فارسی، همچون لحن، تکیه، آهنگ و دیگر خرده مهارت‌ها به‌طور مناسب، مورد توجه قرار گیرد.

- 4- با توجه به رویکرد مهارتی، آنچه در بخش بررسی متن اهمیت دارد؛ کالبدشکافی عملی متون است؛ یعنی فرصتی که متن‌ها را پس از خوانش، در سه قلمرو بررسی کنیم این کار، سطح درک و فهم ما را نسبت به محتوای اثر، فراتر خواهد برد. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌های بررسی و کالبدشکافی و تحلیل هر اثر، این است که متن در سه قلمرو بررسی شود: «زبانی - ادبی - فکری»

#### الف) قلمرو زبانی:

این قلمرو، دامنه گسترده‌ای دارد؛ از این‌رو، آن‌را به سطوح کوچک‌تر تقسیم می‌کنیم:

سطح واژگانی: در اینجا، لغت‌ها، روابط معنایی واژه‌ها و همچنین دست‌نویسی بررسی می‌شوند.

سطح دستور یا نحوی: در اینجا متن از دید ترکیبات و قواعد دستوری، کاربردهای دستور تاریخی، کوتاهی و بلندی جمله‌ها بررسی می‌شوند.

### ب) قلمرو ادبی:

در اینجا شیوه نویسنده‌گی در به کارگیری عناصر زیبایی‌آفرین در سطح زیر بررسی می‌شود: سطح آوایی یا موسیقایی: در این مرحله، متن را از دید لفظی (وزن، قافیه، ردیف، آرایه‌های لفظی و تناسب آوایی، مانند واج‌آرایی، تکرار، سجع، جناس و ...) بررسی می‌کنیم. سطح بیانی: در این مرحله متن از دید مسائل علم بیان، نظیر «تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه» بررسی می‌شود. سطح بدیع معنوی: متن از دید تناسب‌های معنایی همچون تضاد، ایهام، مراعات نظیر و ... بازخوانی می‌شود.

### ج) قلمرو فکری:

در این مرحله، متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، اعتقادات، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و دیگر جنبه‌های فکری مانند موضوع‌های زیر، بررسی می‌شود: عینی / ذهنی، شادی‌گرا / غم‌گرا، خردگرا / عشق‌گرا، عرفانی / طبیعت‌گرا، خوش‌بینی / بدبینی، محلی یا میهنی / جهانی و ... تقویت توانایی فهم و درک متن یکی از برجسته‌ترین اهداف آموزشی این درس است. ایجاد فرصت برای تأمل در لایه‌های محتوا و هم‌فکری گروه‌های دانش‌آموزی، به پرورش قدرت معناسازی ذهن زبان‌آموزان کمک می‌کند.

### توضیح درباره این کتاب و شیوه ارائه مطالب:

- ۱- ابتدا نکاتی درباره درست خواندن ابیات بیان شده است؛ کلماتی که ممکن است در خوانش آنها شما به اشتباه بیفتید و آنها را نادرست بخوانید با نمونه آورده شده‌اند.
- ۲- در فصل دوم مفاهیم پرتکرار و قابل طرح در کنکور سراسری با شاهد و مثال‌های بسیار زیاد بیان شده‌اند؛ که چنانچه شما این مفاهیم را به خاطر بسپارید قطعاً به درک مطلب و رسیدن به مفهوم به شما کمک خواهد کرد و باعث تقویت درک مفاهیم شما خواهد گردید.
- ۳- در فصل سوم «فارسی سال دهم» بسیار کامل و جامع از نظر مفهوم (قلمرو فکری) مورد بحث قرار گرفته است شیوه کار در تدریس قلمرو فکری فارسی دهم به این صورت بوده است که: ابتدا درس معرفی شده است؛ سپس خلاصه درس و مفاهیم ارائه شده در درس بیان شده است و بعد از آن مفاهیم ابیات و عبارات مهم درس آورده شده است و در پایان به پرسش‌های قلمرو فکری هر درس جواب داده شده است.
- ۴- در فصل چهارم «فارسی سال یازدهم» مثل فارسی سال دهم، به همان شیوه، بسیار جامع، دقیق و کامل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۵- در فصل پنجم پرسش‌های چهارگزینه‌ای (= تست‌ها) بیان شده‌اند ارائه تست‌ها به ترتیب درس‌ها و فصل‌های کتاب بوده است و سعی شده است تست‌ها به گونه‌ای بیان شوند که تشابه کامل به تست‌های کنکور سراسری داشته باشد.

امیدوارم آموزش این کتاب به رشد و شکوفایی ادبیات و پرورش لیاقت‌ها و شایستگی‌ها در نسل جوان یاری رساند و آنها را در رسیدن به هدف یاریگر باشد.

\* تشکر و قدردانی:

۱- ابتدا لازم می‌دانم از جناب مهندس هادی عزیززاده نهایت قدردانی را داشته باشم که آشنایی با این استاد فاضل و گرانقدر برای من افتخاری بود، همیشه به خود می‌بالم و خدا را شاکرم.

۲- از مدیر عامل فاضل، فرهنگی و فرهیخته انتشارات مبتکران جناب آقای «یحیی دهقانی» بسیار سپاسگزارم امیدوارم همیشه شاد و سالم باشند تا جوانان این مرز و بوم بتوانند از سرچشمهٔ بیکران فضل و دانش ایشان سیراب گردند.

۳- خانم‌ها طویبی عینی‌پور، رویا قطاری و شیوا خوش‌نقش که در بازخوانی کتاب بسیار زحمت کشیده‌اند.

۴- خانم‌ها نجمه کمیزی، شکوفه ملکی و نگار امیری که حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب را بر عهده داشته‌اند.

۵- خانم‌ها بهاره خدای (گرافیسیت) و مینا هرمزی (طراح جلد)

۶- از همکاران فاضل و فرهیختهٔ خودم جناب آقای «دکتر هامون سبطی»، «دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی» و «سرکار خانم مهوش رضایی» بسیار سپاسگزارم.

۷- از سرکار خانم «زهرا دانشور - سینا احمدنیا - صبا احمدنیا - مریم احمدنیا» که در به ثمر رسیدن این مجموعه یاریگر من بوده‌اند نهایت سپاسگزاری را دارم.

- در پایان لازم می‌دانم از «استادان فاضل و همکاران گرانمایه و همچنین همه خوانندگان عزیز» تقاضا کنم که پیشنهادها و نظرات خود را، بیان کنند تا چنانچه کاستی و نقصی هست در چاپ‌های بعد برطرف گردد:

آدرس:

t.me/adabiat-ahmadnia

علی احمدنیا

دکتر علی احمدنیا

- دکترای زبان و ادبیات فارسی

- استاد دانشگاه و مدرس ادبیات کنکور

- مؤلف بیش از ۱۵ جلد کتاب در زمینه ادبیات

- ارائه‌های آموزشی

- ارائهٔ مقالات علمی و پژوهشی در زمینه ادبیات

- مدرس مراکز «خرد - ابوریحان - روشنگران و آموزشگاه هدف»

فصل یکم: درست و روان خواندن شعر ..... ۹

فصل دوم: مفاهیم پرتکرار ادبیات ..... ۲۵

فصل سوم: فارسی سال دهم ..... ۴۹

ستایش: به نام آفریدگار ..... ۵۰

درس یکم: چشمه و سنگ ..... ۵۴

درس دوم: از آموختن ننگ مدار ..... ۶۰

درس سوم: سفر به بصره ..... ۶۹

درس چهارم: درس آزاد (ادبیات بومی ۱) ..... ۷۲

درس پنجم: کلاس نقاشی ..... ۷۳

درس ششم: مهر و وفا ..... ۷۸

درس هفتم: جمال و کمال ..... ۸۴

درس هشتم: در سایه‌سار نخل ولایت ..... ۹۴

درس نهم: غرّش شیران ..... ۱۰۰

درس دهم: دریادلان صف‌شکن ..... ۱۰۵

درس یازدهم: خاک آزادگان ..... ۱۱۳

درس دوازدهم: رستم و اشکیوس ..... ۱۲۰

درس سیزدهم: گردآفرید ..... ۱۲۸

درس چهاردهم: طوطی و بقال ..... ۱۳۶

درس پانزدهم: درس آزاد (ادبیات بومی ۲) ..... ۱۴۲

درس شانزدهم: خیر و شر ..... ۱۴۳

درس هفدهم: سپیده‌دم ..... ۱۵۰

درس هجدهم: عظمت نگاه ..... ۱۵۶



## فصل چهارم: فارسی سال یازدهم ..... ۱۷۱

۱۷۲	ستایش: لطف خدا.....
۱۷۴	درس یکم: نیکی .....
۱۸۵	درس دوم: قاضی بُست .....
۱۹۴	درس سوم: در کوی عاشقان .....
۲۰۵	درس چهارم: درس آزاد (ادبیات بومی ۱) .....
۲۰۶	درس پنجم: ذوق لطیف .....
۲۱۷	درس ششم: پروردهٔ عشق .....
۲۲۷	درس هفتم: باران محبت .....
۲۴۲	درس هشتم: در امواج سند .....
۲۵۱	درس نهم: آغازگری تنها .....
۲۶۰	درس دهم: رباعی‌های امروز .....
۲۶۷	درس یازدهم: سپیده می‌آید .....
۲۷۴	درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه .....
۲۸۴	درس سیزدهم: درس آزاد (ادبیات بومی ۲) .....
۲۸۵	درس چهاردهم: حملهٔ حیدری .....
۲۹۵	درس پانزدهم: کبوتر طوق‌دار .....
۳۰۷	درس شانزدهم: قصهٔ عینکم .....
۳۱۸	درس هفدهم: خاموشی دریا .....
۳۲۷	درس هجدهم: خوان عدل .....
۳۴۱	آیات، احادیث و روایات .....
۳۴۴	پرستشهای چهارگزینه‌ای ادبیات دهم و یازدهم .....
۵۲۹	پاسخنامه .....



فصل یکم: دست در روان خواندن شعر



### «درست و روان خواندن شعر»:

- ☉ باید خدمت شما بزرگواران عرض کنم که «شعر» از جهاتی به «گردو» مانند است چون «گردو» چند لایه و چند پوسته دارد:
۱. لایه سبز رنگ که معمولاً وقتی دست انسان به آن برخورد می‌کند سیاه می‌شود و انسان خیلی مشتاق و علاقمند به خوردن گردو نمی‌شود.
۲. لایه دوم، لایه‌ای است که یا نمی‌شکند یا اگر هم بشکند ولی درست شکسته نشود مغز گردو را تکه‌تکه می‌کند.
۳. لایه سوم، لایه نازک ولی تلخ مزه است که جدا کردن آن از روی مغز گردو، همراه با ظرافت و پیچیدگی کار آسانی نیست.
- به هر حال برای رسیدن به مغز گردو و لذت بردن از آن باید این سه مرحله را انجام داد، اگر ما بخواهیم این مقایسه را با شعر داشته باشیم، شعر: «لایه سبز»، واژه‌ها و کلمات شعر که باید آنها را معنی کرد و این نیاز به دانستن دایره‌ای گسترده از واژگان دارد البته باید خدمت شما عزیزان بگویم کلماتی که شما در کنکور با آنها مواجه می‌شوید واژه‌هایی هستند که شما آنها را در متن درس‌ها خوانده‌اید و چنانچه واژه‌ای بیابید که شما نخوانده باشید حتماً داخل پراکنش معنی آن واژه را می‌آورند تا شما دچار مشکل نشوید پس لازم است ما تمام واژه‌های کتاب‌های درسی را به خاطر بسپاریم تا بتوانیم به معنی و مفهوم شعر پی ببریم.
- لایه دوم، معنی شعر است قرار گرفتن واژه‌ها و کلمات در کنار یکدیگر معنای دیگری جز معنای تک‌تک واژه‌ها در ذهن تداعی می‌کند که به معنای ظاهری کلمات و واژه بر نمی‌گردد.
- لایه سوم، دانستن یک سری اطلاعات عمومی از قبیل: عرفان، فلسفه، تاریخ، اساطیر و ... است که کمک می‌کند به مفهوم اصلی شعر بیشتر واقف شویم.

### «آشنایی با معنی واژه‌ها»:

- ☉ از آنجایی که تست‌های قرابت معنایی معمولاً از شعرهای خارج از کتاب‌های درسی انتخاب می‌شوند باید به دیدن واژه‌های دشوار اما آشنا، در شعرها و متون ادبی ناآشنا عادت کنیم.
- خواندن اشعار شعرای بزرگ همچون: حافظ - مولانا - سعدی و ... تا حدودی این مشکل را حل می‌کند. سعی کنید با متون کلاسیک و اشعار بزرگان عرصه شعر تا اندازه‌ای ارتباط برقرار کنید. خواندن و انس گرفتن با آنها، در درک مفهوم بسیار به شما کمک خواهد کرد.

### «شنیدن آهنگ شعر»:

- ☉ شما برای درک مفهوم شعر و ارتباط با آن، نیاز به یادگیری علم عروض و قافیه ندارید همین که شما آهنگ شعر را به خوبی حس کنید و با ضرب آهنگ‌ها، تأکیدها و توقف‌های شعر آشنا باشید کافی است تا درک درست و خوبی از حس و معنای شعر پیدا کنید.

سعی کنید برای کسب مهارت در خواندن شعر و پی بردن به مفاهیم والا و ارزشمند آن دیوان اشعار شعرای بزرگ را بخوانید و به هیچ عنوان نگران آنس نداشتن با واژه‌ها و تپق زدن نباشید. قطعاً بعد از مدتی مشکل شما برطرف خواهد شد و ارتباط بسیار خوبی با شعر برقرار خواهید کرد.

### «واژه‌های دوپاچند خوانشی»:

«دُرد / درد / درَد»

«کُشته / کِشته»

«سبلی / سبیلی»

«مهر / مُهر / مَهر»

🔗 ما باید این واژه‌ها را چگونه تلفظ کنیم و از کجا بدانیم درست می‌خوانیم یا نه؟ ابتدا باید چند نکته را در نظر داشته باشید:

### 🔗 نقش دستوری واژه‌ها:

چنانچه واژه‌ای اشتباه تلفظ شود و قطعاً یکی از نقش‌های دستوری دچار مشکل می‌شود:

#### مثال:

درد مست نادان گریبان مرد .....

اگر این واژه را به جز «درد» (= می‌درد، پاره می‌کند) به گونه‌ای دیگر بخوانیم جمله مفهوم کاملی نخواهد داشت؛ زیرا در این صورت جمله «فعل» ندارد.

### 🔗 ۲. مرعات تطبیق:

اگر کلمه «درد» با «شراب، میخانه، ساقی و کشیدن (نوشیدن)» و ... هم‌نشین شود، احتمال «دُرد»<sup>(۱)</sup> بودن بیش از (دُرْد — درد) خواهد بود:

#### مثال:

«پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی‌کش<sup>(۲)</sup> خویش» .....

### 🔗 ۳. معنا:

حتی اگر ظاهر دو مورد بالا هم درست بود باز هم نباید خیلی مطمئن بود چون در نهایت معناست که اهمیت دارد:

#### مثال:

«درد عشقی کشیده‌ام که می‌پرس زهر هجری چشیده‌ام که می‌پرس»

۱. ته‌مانده شراب که «گیرایی» آن از خود شراب بیشتر است.

۲. کسی که شراب را تا ته می‌نوشد.

اگر دقت کنید در مصراع اول می‌توان «درد عشقی» خواند که با کشیدن (= نوشیدن) هم تناسب دارد و از نظر وزن هم درست است اما چنانچه بیشتر دقت کنید متوجه می‌شوید که «درد» خیلی مناسب و قانع‌کننده نیست زیرا از نظر معنایی با مصراع دوم تناسب ندارد. در مصراع دوم شاعر «جدایی و هجران» را به «زهر» مانند کرده است پس قطعاً نمی‌توانیم مصراع اول را «درد» تلفظ کنیم.

ضمناً:

تلفظ اشتباه یک واژه (حتی یک فتحه، کسره یا ضمه) بسیار تأثیر منفی دارد و می‌تواند آرایه‌ها را دچار اشکال نماید یا نقش واژه را تغییر دهد. چنانچه ما «درد عشق» بخوانیم، اضافه تشبیهی است و ساختار مصراع را تغییر می‌دهد.

### مثال دیگر:

رستم / رستم:

«رستم از بند تو ای نامهربان  
نابردار بود اگـر آزاد بود»  
آیا معنی کنیم: «ای نامهربان از بند رها شدم؟» اما در مصراع دوم شاعر گفته است: «نابردار بود اگر آزاد بود» شما می‌دانید که واژه «نابردار» ما به یاد «شغاد» برادر ناتنی رستم می‌اندازد که چاهی را حفر می‌کند و بر کف و دیواره‌های چاه نیزه و خنجر نصب می‌کند تا رستم داخل چاه بیفتد و پهلوانی که هفت مرحله خطرناک را پیروزمندانه پشت‌سر گذاشته بود اسیر حیلۀ نابردار می‌شود و می‌میرد. با توجه به توضیحات ارائه شده چنانچه «رستم» بخوانیم معنای بیت دقیق‌تر و بهتر خواهد شد: «اگر رستم هم که پهلوانی بی‌همتاست از بند عشق تو فرار کند مرد نیست بلکه نامردی هم چون برادرش است. پس یعنی: «عاشق واقعی هرگز یارش را فراموش نمی‌کند.»

### «دروود / درود»

### «کشت / کشت»

«من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش  
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت»  
آیا «دروود» یا «درود»؟!  
چنانچه «دروود» بخوانیم (= سلام) معنای مصراع بسیار خنده‌دار می‌شود:  
«هر کسی آن سلام عاقبت کار که کشت»  
ولی اگر «دروود» بخوانیم جمله هم از نظر دستوری و هم از نظر معنایی درست می‌شود و اگر کلمه پایانی مصراع دوم هم «کشت» باشد و معنی درست خواهد شد زیرا با «درویدن» تناسب دارد:  
«هر کسی در نهایت همان چیزی را برداشت می‌کند که کاشته است.»

### «سحر / سحر»:

۱ سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی  
خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی  
(حافظ)

۲ یا رب چه سحر است، افسون هستی  
از هیچ بودن کس نیست آگاه (بیدل)

«خَم / خَم»؟

۱ خَمی که ابروی شوخ در کمان انداخت  
۲ روزگار عصیر انگور است  
۳ خَم زلف تو دام کفر و دین است

به قصد جان من زار ناتوان انداخت (حافظ)  
خَم ازو مست و چنگ مخمور است (ابوالفرج رونی)  
ز کارستان او یک شمه این است

۱ بهشتی است سرتاسر آراسته  
۲ در دیده عبرت اثر دام حوادث

«پُر / پَر»؟

۱ پُر آرایش و دانش و خواسته (فردوسی)  
۲ خفته است به زیر پَر طاووس، پلنگی (بیدل)

۱ بهشتی است سرتاسر آراسته  
۲ در دیده عبرت اثر دام حوادث

«دَرَد / دَرَد / دَرَد»؟

۱ وای یاد توام مونس در گوشه تنهایی (حافظ)  
۲ هزار آورد نغز گفتارها (علامه طباطبایی)  
۳ که هر چه ساقی ما ریخت عین الطاف است (حافظ)

۱ ای دَرَد توأم درممان در بستر ناکامی  
۲ دَرَد پُردۀ غنچه را بادبام  
۳ به دَرَد و صاف تو را حکم نیست خوش درکش

«کِشَت / کِشَت»؟

۱ زیرا که پس از کِشَت درودن باید (ابوالفرج رونی)  
۲ بالله که در این شهر مسلمانی نیست

۱ به کاشتن و نیک فزودن باید  
۲ غم کِشَت مرا و کس به دادم نرسید

«می (پیشوند استمرار) / می (شراب)»؟

۱ جام می گیرم و از اهل ریا دور شوم  
↓ شراب  
۲ اندیشه چو دانش است می باید داشت  
↓ پیشوند  
اندوه چو روزی است می باید خورد  
↓ (ابوالفرج رونی)  
پیشوند

۱ جام می گیرم و از اهل ریا دور شوم  
↓ شراب  
۲ اندیشه چو دانش است می باید داشت  
↓ پیشوند  
پیشوند

«گشَد / گُشد»؟

- ۱ عاشق چه کند گر نکشد تیر ملامت  
 ۲ اول بنا نبود که عاشق گُشد کسی
- با هیچ دلاور سپر تیر بلا نیست (حافظ)  
 آتش به جان شمع فتد کاین بنا نهاد

«به (حرف اضافه) / به (بهر)»؟

- ۱ اگر تو زخم زنی به که دیگری مرهم  
 ۲ حافظ آب رخ خود بر در هر سفله مریز
- وگر تو زهر دهی به که دیگری تریاک (حافظ)  
 حاجت آن به که بر قاضی حاجات بریم
- ↓  
 بهتر
- ۲ اگر قدرت جود است و گر قوت سجود، توانگران را به میسر شود.

- ۲ غم زندگی به کجا برم ستم هوس به که بشمرم؟
- ↓ حرف اضافه  
 ↓ حرف اضافه  
 ↓ حرف اضافه
- چو حباب هرزه نشسته‌ام به فشار چشم تر از نفس (بیدل)

«گزیدن / گزیدن»؟

- ۱ سگی پای صحرائشینی گزید  
 ۲ گزید از غنیمت ظرایف بسی  
 ۳ مرا نصیب غم آمد به شادی هم عالم
- به خشمی که زهرش ز دندان چکد  
 کز آن سنان ظرایف کسی  
 چرا که از همه عالم محبت تو گزیدم (اوستا)

«سیلی / سیلی»؟

- ۱ از دست دیگران چه شکایت کند کسی  
 ۲ وا نگردد از ره آن تیر ای پسر
- سیلی به دست خویش زند بر سرای خویش  
 بند باید کرد سیلی را ز سر

«مهر / مَهر / مَهر»؟

از مهر و ماه به کَلسی بریده‌ام  
کس را خبر مکن که کجا می‌فرستم (خاقانی)

۱ تا مهر ماه چهره تو در دلم نشست  
۲ این سر به مهرنامه بدان مهربان رسان

«گل / گُل / گُل»؟

گل آدم بسرشتند و به پیمانهِ زدند (حافظ)  
به زیر پای تو گل های شعر نابم را  
(حسین منزوی)

۱ دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند  
۲ بهار رشک برد بر تو چون بيفشانم

«نه / نُه / نه»؟

که اصلی ندارد دم بی‌قدم  
قدم برون نه اگر میل جستجو داری (حافظ)  
برکشم این دلق ازرق فام را (حافظ)  
بر این نه دیر آتش می‌زنم سر می‌دهم هوایی  
(بیدل)

۱ قدم باید اندر طریقت نه وهم  
۲ ز کنج صومعه حافظ مجوی گوهر عشق  
۳ ساغر می بر کفم نه تا ز بر  
۴ به ناقوسی دل امشب از جنون خورده است پهلویی

«سیر / سیر»؟

که تا یاد سویدا می‌کنم سیر ختن دارم (بیدل)

↓  
گردش

سیر این بحر ز هر خار و خسی می‌آید  
(صائب)

↓  
گردش

هر که بی‌روزی است روزش دیر شد (مولانا)

۱ کدام آهو به بوی نافه، خوابانده است داغم را

۲ اوست غواص که گوهر به کف آرد ورنه

۳ هر که جز ماهی ز آبش سیر شد



«چه / چه؟»

۱ نبینی باغبان چون گل بکارد

۲ تو چشم عقب بیستی که در چه افتادی

↓  
چاه

چه مایه غم خورد تا گل برآرد  
(فخرالدین اسعد گرگانی)

↓

چه اندازه

تو بد شدی که شدند از تو خوب تر دگران  
(پروین)

«بُد / بُد؟»

۱ من خفته بدم به ناز در کتم عدم

۲ نخوام بُدن زنده بی روی او

↓  
بودم

↓  
بودن

۳ بد آید جهان را از این کار من

حُسن تو به دست خویش بیدارم کرد  
(عراقی)

جهانم نیرزد به یک موی او  
(فردوسی)

چنین تیره گردید بازار من (فردوسی)

«نیم / نیم؟»

«نیمه و نصف / نیستم»

۱ پیر گفتا که چه عزت زین به

۲ نیم شرر ز عشق بس تا زمین عافیت

↓  
نصف / نیمه

که نیم بر در تو بالین نه  
(جامی)

↓  
نیستم

دود به آسمان رود خرمن اعتبار را  
(وحشی بافقی)

«گرم / گرم؟»

۱ آشنایان ره عشق گرم خون بخورند

۲ چو آمد بدان بارگاه بلند

ناکسم گر به شکایت سوی بیگانه روم (حافظ)

بپرسید از او گرم شاه بلند (فردوسی)



### «رفتن / رفتن»؟:

- ۱ باید ز سر این غرور را راندن
- ۲ ز نزد سوختگان بی‌خبر نباید رفت

### «مردم / مردم»؟:

- ۱ مردم چشمم به خون آغشته شد
- ۲ مردم در این فراق و در آن پرده راه نیست
- ۳ غلام مردم چشمم که با سیاه‌دلی
- ۴ مردم ز رشک چند ببینم که جام می

### «بستان / بستان»؟:

- ۱ از عمر من آنچه مانده بر جای
- ۲ دایم گل این بستان شاداب نمی‌ماند
- ۳ چون است حال بستان ای باد نو بهاری

### «سر / سر»؟:

- ۱ گر پیر مغان مرشد من شد چه تفاوت
- ۲ ما را سر است با تو که گر خلق روزگار
- ۳ غیرت عشق زبان همه خاصان ببرید
- ۴ به سر جام جم آن‌گه نظر توانی کرد

### «شکوه / شکوه»؟:

- ۱ آسمان سست پی مرد شکوه عشق نیست
- ۲ کی‌ام؟ شکوفه اشکی که در هوای تو هر شب

باید ز دل این غبار را رفتن (پروین)  
زمان کار نباید به کنج خانه خزید (پروین)

در کجا این ظلم بر انسان کنند  
یا هست و پرده‌دار نشانم نمی‌دهد  
هزار قطره بیارد چو درد دل شمرم (حافظ)  
لب بر لب گذارد و قالب تهی کند (طالب آملی)

بستان و به عمر لیلی افزای (نظامی)  
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی (حافظ)  
کز بلبان برآمد فریاد بی‌قراری (سعدی)

در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست  
(حافظ)  
دشمن شوند و سر برود هم بر آن سریم  
کز کجا سر غمش در دهن عام افتاد (حافظ)  
که خاک میکده کحل بصر توانی کرد

رخش می‌باید که رستم را به میدان آورد  
ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم



«رُستن / رَستن» ❗

- ۱ ای دل مباش یک دم خالی ز عشق و مستی
- ۲ نه جغد رُست نه طوطی چو شد قضا شاهین
- ۳ شکوفه‌های هلو رُسته روی پیرهنت
- ۴ هر سبزه که بر کنار جویی رُسته است

«گُرد / گُرد / گُره» ❗

- ۱ بر دلم گُرد ستم‌هاست خدایا میسند
- ۲ چو در خاکدان لحد خفت مرد
- ۳ چرخ گُرد از هستی من گر برآرد گو برآر
- ۴ به سهراب گفت ای یل شیرگیر
- ۵ چو آشفته دیدی که شد کار ما

«شُکر / شُکر» ❗

- ۱ کجا خود شُکر این نعمت گزارم
- ۲ با تو گویم که چیست غایت حلم

«بُردن / بُردن» ❗

- ۱ کیست که پیغام من به شهر شروان بُرد
- ۲ از صدف یاددار نکتۀ حلم

و آن‌گه برو که رُستی از نیستی و هستی (حافظ)  
 نه زشت ماند و نه زیبا چو راز گشت عیان  
 (پروین)  
 دوباره صورتی صورتی است باغ ننت  
 (حسین منزوی)  
 گویی ز لب فرشته‌جویی رُسته است (خیام)

که مکدر شود آیینۀ مهرآیینم (حافظ)  
 قیامت بیفشاند از موی گُرد (سعدی)  
 دور بادا دور از دامان نامم گرد ننگ  
 (هاتف اصفهانی)  
 بلنگافکن و گُرد و شمشیرگیر (فردوسی)  
 نگردي دگر گُرد بازار ما (اوحدی مراغه‌ای)

کسه زور مردم‌آزاری ندارم  
 هر که زهرت دهد شُکر بخشش

یک سخن از من بدان مرد سخندان بُرد  
 هر که بُرد سرت گهر بخشش

«گله / گله» ؟:

۱ گله ما را گله از گرگ نیست

↓  
زَرمه      شِکایت

۲ نیامدم گله از ایمن و آن کردن

↓  
شِکایت

کاین همه بیداد شبان می‌کند

در آتش از دل خویشم چه می‌توان کردن

«توبه / تو، به» ؟:

۱ حلقه توبه گر امروز چو زهاد زنم

↓  
بازگشت، انابت

۲ تا تو به پری مانی شیدای توام، دانی

↓  
تو، به

۳ ای مهر گسل که با توام پیوند است

خازن می‌کده فردا نکند در بازم  
(حافظ)

یک شهر چو خاقانی شیدای تو اولی تر  
(خاقانی)

وز تو به یکی عشوه دلم خرسند است  
(امیر شاهی)

↓  
تو، به

«کم / کم» ؟:

«اندک / که + م»

۱ که اکنون چه داری ز رستم نشان

۲ حاشا که دلم کم تو گیرد هرگز

۳ آه از آن شادی که ناگه از درم آیی درون

که کم باد نامش ز گردن‌کشان  
(فردوسی)

تا بر دگری مهر پذیرد هرگز  
(سید حسن غزنوی)

بعد از آن کم ناامید از انتظار خود کنی  
(اصلی شیرازی)

↓  
که + م (که مرا)

«نیبی / نیبی»؟

«نیستی / یگسانی»

۱ آدمی باش و از خرگیران مترس

۲ چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست

۳ ز نیستان تعلق به صد هزار گره

۴ محیط شرم به قدر عرق گهر دارد

خر نیبی ای عیسی دوران مترس  
(مولوی)

↓  
نیستی

سخن شناس نیبی جان من خطا این جاست  
(حافظ)

↓  
نیستی

نیبی نرست که گرد و حریف آهنگم  
(بیدل)

↓  
نی (آلت موسیقی)

هنوز آب نیبی از حیا چه می جویی؟  
(بیدل)

↓  
نیستی

«جو / جو / جو»

«رود / جستجو کن / غله»

۱ تو میرابی که بر جو حکم داری

↓  
جوی آب

۲ بر لب جو بود دیواری بلند

↓  
جوی آب

۳ عقل و فطرت به جوی نستاند

↓  
یک جو (مقدار اندک)

۴ نان جو خور، در بهشت جاودان پاینده باش

↓  
غله، جو

«نفس / نفس»؟

۱ نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

↓  
دم

۲ خویشتن را خیرخواهی، خیرخواه خلق باش

به جواندر نگنجد جان که دریاست  
(مولوی)

بر سر دیوار تشنه دردمند  
(مولوی)

دور، دور شکم و دستار است  
(صائب)

کز بهشت از خوردن گندم شده است آدم جدا  
(صائب تبریزی)

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

ز آن که هرگز بد نباشد، نفس نیک اندیش را

↓  
وجود

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

### فصل یکم: «درست و روان خواندن شعر» (درس‌های ۱ و ۲)

۱. عبارت «خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف، نموده مباش» با

کدام گزینه قرابت معنایی کمتری دارد؟

- ۱ هر که چو خرماست رفیقش مدان
  - ۲ به مارماهی مانی نه این تمام و نه آن
  - ۳ تو نیکی می‌کن و در دجله انداز
  - ۴ ز بهر آبرو یکرویه کن کار
- کاوست برون مغز و درون استخوان  
منافقی چه کنی؟ مار باش یا ماهی  
که ایزد در بیابانت دهد باز  
که آنجا آبرو ریزد دورویی

۲. بیت زیر یعنی:

«الهی، فضل خود را یار ما کن ز رحمت، یک نظر در کار ما کن»

- ۱ خداوندا! بخشش خود را با ما همراه کن و از روی رحمت و لطف به حال ما نگاهی بینداز.
- ۲ خداوندا! از دانش خود به ما عطا کن و با مهربانی با ما رفتار کن.
- ۳ پروردگارا! با فضل و بخشش ما را همراهی کن و با مهر و محبت خود با ما رفتار کن.
- ۴ پروردگارا! با دانش خود ما را همراهی کن و با لطف و رحمت به ما نظر کن.

۳. کدام بیت با عبارت زیر ارتباط معنایی دارد؟

«الهی، اگر طاعت بسی ندارم، اندر دو جهان جز تو کسی ندارم.»

- ۱ تو نه مرد گُل بُستان امیدی سعدی
  - ۲ چه باشد گر ز رحمت پارسایی
  - ۳ هر کس امیدوار به اعمال خویشتن
  - ۴ سعدی به جفا دست امید از تو ندارد
- که به پهلو نتوانی به سر خار برفت  
کنند در کار درویشی دعایی  
سعدی امیدوار به لطف و عطای توست  
هم جور تو بهتر که ز روی تو صبوری

۴. بیت کدام گزینه مفهوم مشترکی با سایر ابیات ندارد؟

- ۱ بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
  - ۲ جمله را رزاق روزی می‌دهد
  - ۳ نیز روزی با خدا زاری نکرد
  - ۴ گرم نیست روزی ز مهر کسان
- گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود  
قسمت هریک به پیشش می‌نهد  
«یار بی» نامد ازو روزی به درد  
خدای است رزاق و روزی‌رسان

۵. بیت کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی بیشتری دارد؟

«تا تو راجای شد ای سرو روان در دل من

- ۱ در عشق او دلی است مرا بی‌خبر ز خویش
  - ۲ کاش کان دلبر عیار که من کشته‌اوم
  - ۳ بر دل من تا خیال آن پری پیکر، گذشت
  - ۴ ای ز ناوهای پیشین جان و دل مجنون تو
- وز هر چه زین گذشت خیر نیست دیگرم  
بار دیگر بگذشتی که کند زنده به بوم  
کافر مگر در خیالم، صورتی دیگر گذشت  
تیر دیگر در کمان لطف نه آن‌ها گذشت

۶. کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

۱. وصفش چه کنی که هرچه گویی
۲. هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
۳. نخواهم در این وصف از این بیش گفت
۴. ز هر وصفی که کردم بیش از آنی

۷. کدام بیت مفهوم متفاوتی دارد؟

۱. به دیدار مردم شدن عیب نیست
۲. مرد باید که عیب خود بیند
۳. عیب مردم بیش از این می‌گفتم اندر چشم خلق
۴. زشت باشد که عیب خود پوشی

۸. بیت کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی بیشتری دارد؟

- «مخور طعمه جز خسروانی خورش که جان یابدت زان خورش پرورش»
۱. این حریم خسروانی را که می‌پاشند کاه
  ۲. خورش ده به گنجشک و کبک و حمام
  ۳. بسازید چیزی که باید خورش
  ۴. بلاجوی باشد گرفتار از

۹. در کدام بیت مثلی به معنای «ظلم و ستم را بر شخص خاصی روا داشتن» آمده است؟

۱. به هر جا برافکنده‌اند این کمند
۲. اگر تاج بخششی افرازدم
۳. ز جریم در این مملکت جان نیست
۴. هر زمانی در به روی ما میند

۱۰. کدام عبارت با مصراع «هر آن وصفی که گویم بیش از آنی» قرابت معنایی دارد؟ (عبارات همگی از دعای عرفه انتخاب شده است).

۱. أُنَمِّتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ: نعمت‌های کاملت را بر من تمام کردی.
۲. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ: خدای را سپاس که برای حکمش برگرداننده‌ای نیست.
۳. يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ: ای آن‌که جز او نمی‌داند او چگونه است.
۴. أَلَلَّهُمْ أَجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ: خدایا چنانم کن که از تو بترسم گویا که تو را می‌بینم.

۱۱. کدام بیت با دیگر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

۱. چو شب‌بنم بیفتاد مسکین و خرد
۲. به جایی که بدخواه خونی بود
۳. بلندیت باید تواضع گزین
۴. در این حضرت آنان گرفتند صدر



۱۲. کدام گزینه از نظر معنایی با عبارت «تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم» متناسب نیست؟

- ۱ یک سخن با من بگو چه کز چه راست
- ۲ اگر جفت گردد زبان بر دروغ
- ۳ چو صبح صادق آمد راست گفتار
- ۴ سخن گفتن کز ز بیچارگیست

۱۳. در موارد کدام گزینه، نظم و نثر با هم نزدیکی معنایی دارند؟

- الف) تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نمی‌روم.
- ب) هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید.
- ج) تو گندم‌نمای جوفروشی.
- د) از آموختن ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی.

و الله که نسئجند نماز تو از یراک / روی تو به قبله است و به دل با دف و صنجی (صنج: چنگ)

پرس هر چه ندانی که ذلّ پرسیدن / دلیل راه تو باشد به عزّ دانایی (ذلّ: خواری)

- ۱ ج، د
- ۲ الف، ب
- ۳ الف، د
- ۴ ب، ج

۱۴. کدام بیت با مصراع «من گوش استماع ندارم لمن تقول» قرابت معنایی دارد؟

- ۱ واعظ ما بوی حق نشنید بشنو کاین سخن
- ۲ رموز مستی و رندی ز من بشنو نه از واعظ
- ۳ خوش آن‌که در صباوت<sup>۱</sup> قدر پدر شناخت
- ۴ اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت‌گو

۱۵. مفهوم کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ الهی فضل خود را یار ما کن = تقاضای بخشش الهی
- ۲ تویی هم آشکارا هم نهانم = آفرینندگی خداوند
- ۳ تاج سر گلبن و صحرا منم = سروری و بزرگی
- ۴ خویشتن از حادثه برتر کشد = رهاندن خود از حادثه

۱۶. مفهوم دریافت‌شده از کدام بیت درست است؟

- ۱ ایر ز من حاصل سرمایه شد / باغ ز من صاحب پیرایه شد (نیازمندی ابر و باغ به چشمه)
- ۲ در بُن این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری؟ (نیاز پرده نیلوفری به چشمه)
- ۳ چون بدم، سبزه در آغوش من / بوسه زند بر سر و بر دوش من (سرسبزی دشت و صحرا)
- ۴ قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک (تبدیل قطره باران به مروارید)

۱۷. بیت زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

«شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم زود آیند و زود می‌گذرند»

۱. بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی، که بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند.
۲. و هر شادی که بازگشت آن به غم است، آن را شادی مشمر و به وقت نومیدی، امیدوارتر باش.
۳. به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو، که این فعل کودکان است.
۴. پیران قبیله خویش را حرمت دار و لیکن به ایشان مولع مباش.

۱۸. مفهوم همهٔ ابیات یکی است به جز:

۱. بلندی از آن یافت کوی پست شد در نیستی کوفت تا هست شد
۲. از خود آریان نمی‌باید بصیرت چشم داشت عیب پیش پنا نیاید در نظر، طاووس را
۳. افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
۴. که جایی که دریاست، من کیستم گر او هست حقاً که من کیستم

۱۹. مفهوم ضرب‌المثل «صورت را با سیلی سرخ نگاه داشتن» در کدام گزینه دیده می‌شود؟

۱. اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد.
۲. به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو، که این، فعل کودکان باشد.
۳. اثر غم و شادی پیش مردمان، بر خود پیدا مکن.
۴. به وقت نومیدی امیدوارتر باش و نومیدی را در امید، بسته دان و امید را در نومیدی.

۲۰. بیت زیر با کدام گزینه ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

- «چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر که یک جو منت دونان به صد من زر نمی‌ارزد»
۱. تا روزی خدا تمام نشده به در خانه دیگری نروم.
  ۲. و به وقت نومیدی امیدوارتر باش و نومیدی را در امید، بسته دان.
  ۳. تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم.
  ۴. تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.

۲۱. کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

- «گل از شوق تو خندان در بهار است آتش رنگ‌های بی‌شمار است»
۱. الهی، فضل خود را یار ما کن ز رحمت، یک نظر در کار ما کن
  ۲. الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز در آن سینه دلی، وان دل همه سوز
  ۳. برق از شوق که می‌خندد بدین سان قاه‌قاه؟ ابر از هجر که می‌گرید بدین سان زار زار؟
  ۴. گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

۲۲. کدام بیت با عبارت زیر معنا و مفهوم یکسانی دارد؟

«هر شادی که بازگشت آن به غم است، آن را شادی مشمر.»

۱. ز تو در هر نفسی کاسته می‌گردد غم خود خور، چه خوری انده بیش و کم
۲. چرا خورم غم دنیا به این دو روزه اقامت؟ چو بازگشت به این منزل خراب ندارم
۳. شادی ندارد آنکه ندارد به دل غمی آن را که نیست عالم غم نیست عالمی
۴. ز غم مباش غمین و مشو ز شادی شاد که شادی و غم گیتی نمی‌کنند دوام



# پاسخ نامہ



۱. گزینه ۳  
«۳» مفهوم بیت دعوت به نیکوکاری است ولی مفهوم مشترک سایر ابیات با صورت سوال ترک دورویی و نیکوکار جلوه دادن خود بر مردم است.
۲. گزینه ۱  
پاسخ «۱» فضل: بخشش، کرم، خوبی / نظر: نگاه / یار: همراه / شاعر از خداوند می‌خواهد که کرم و بخشش خود را با ما همراه کند و از روی لطف و مهربانی به حال ما نظر کند نه از روی عدل خود.
۳. گزینه ۳  
سعدی در بیت گزینه «۳» می‌گوید هر کسی به امید کارهای نیکی که کرده، به درگاه خدا می‌رود. اما سعدی، فقط به لطف خداوند امیدوار است و نه چیزی دیگر، از جمله اعمالش، پس اگرچه کار نیکی ندارد، به رحمت خداوند امیدوار است که فقط او را دارد.
۴. گزینه ۳  
مفهوم مشترک ابیات دیگر، روزی‌رسان بودن خداست ولی گزینه «۳» دعا نکردن شخص به درگاه خدا را بیان می‌کند.
۵. گزینه ۳  
گزینه «۳» نیز مثل بیت صورت سؤال، بیان می‌کند نمی‌تواند جای یار را در ضمیرش، به چیزی دیگر بدهد.
۶. گزینه ۳  
مفهوم بیت خودداری از توصیف است، ولی ابیات دیگر به ناتوانی انسان از توصیف خدا اشاره دارد.
۷. گزینه ۱  
مفهوم گزینه «۱» رعایت دیدار با مردم مفهوم سایر گزینه‌ها: نكوهش عیب‌جویی از دیگران پیش از دیدن عیب خویش
۸. گزینه ۳  
بیت صورت سوال و گزینه «۳» هردو، مخاطب را به خوردن خوراک‌های خوب و نیکو توصیه می‌کنند.
۹. گزینه ۴  
دیوار کسی را کوتاه دیدن کنایه از ظلم بر کسی خاص است.
۱۰. گزینه ۳  
مفهوم بیت صورت سؤال این است که مخلوقات نمی‌توانند خداوند را به درستی بشناسند. در عبارت گزینه «۳» نیز خداوند کسی خطاب شده است که تنها خودش می‌تواند خودش را بشناسد و لاغیر.
۱۱. گزینه ۲  
مفهوم بیت فروتنی نابه‌جاست ولی در ابیات دیگر به ستایش فروتنی و تواضع اشاره شده است.
۱۲. گزینه ۱  
مفهوم گزینه «۱»: دعوت به سخن گفتن بدون اهمّیت راستی یا دروغین بودن ولو دشنام  
مفهوم سایر گزینه‌ها: دعوت به راستی در سخن

### ۱۳. گزینه ۱

موارد الف و ب هرکدام به مسئله جداگانه‌ای اشاره می‌کنند. نثر الف می‌گوید تنها باید از خدا روزی خواست، اما بیت در ستایش پادشاه است و می‌گوید خداوند هرکه را بخواهد خوار کند، اول از چشم او می‌اندازد و تحقیرش می‌کند. در نثر ب نیز می‌خوانیم مکر خداوند از مکر بندگان قدرتمندتر است، اما بیت می‌گوید هرکس مکاری کند، مکر به خودش بازمی‌گردد. دقت کنید «خداوند» معنای «صاحب» هم دارد. اما در عبارات ج و د، نظم و نثر به هم مربوطند. در بیت «ج» ناصر خسرو با کسی صحبت می‌کند که روی در قبله دارد، ولی در پی مطربی است، یعنی دل و زبان یکی ندارد، یعنی گندم‌نمای جو فروش است. در بیت «د» نیز شاعر می‌گوید اگر از پرسیدن مطالبی به نظر خوار و حقیر می‌شوی، این حقارت راهنمایی تو می‌شود تا به دانایی برسی. این مفهوم در نثر هم هست.

### ۱۴. گزینه ۴

مفهوم مشترک «نشیندن پند» است. (سخن در خاک افکندن: کنایه از هدر دادن سخن است که نشیندن پند از آن دریافت می‌شود.)

### ۱۵. گزینه ۲

این مصراع اشاره به این دارد که خداوند همه وجود ماست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱»: شاعر از خداوند طلب فضل و بخشش دارد.

گزینه ۳: «۳»: زینت بخش بوته گل و صحرا من هستم.

گزینه ۴: «۴»: خود را از حادثه نجات دهد.

### ۱۶. گزینه ۱

این است که شاعر از زبان چشمه بیان می‌کند که بارش باران از ابر، از من است و سرسبزی باغ‌ها هم از من است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «۲»: «پردۀ نیلوفر» استعاره از آسمان است. چشمه معتقد است در این دنیا هیچ‌کس برابر و هم‌ارزش او نیست.

گزینه ۳: «۳»: این که سبزه گیاهان کنار آب چشمه جاری به شدت به او نیازمند هستند.

گزینه ۴: «۴»: قطرات باران با ارزش، باعث رشد گیاهان می‌شود.

### ۱۷. گزینه ۳

مفهوم مشترک بیت و گزینه «۳» دعوت به زندگی شاد و تأکید بر گذرا بودن غم و شادی است ولی گزینه‌های دیگر به ترتیب به «ثبات شخصیت و رفتار»، «شادی واقعی و امیدواری» و «حرمت پیران همراه با واقع‌بینی» اشاره دارند.

### ۱۸. گزینه ۲

این بیت به نكوهش ظاهرسازی پرداخته. شاعر معتقد است که از انسان‌های ظاهرساز نمی‌توان انتظار بصیرت و آگاهی داشت همان‌گونه که طاووس به واسطه پره‌های زیبایش هرگز «پاهای زشت» خود را نمی‌بیند.

اما در گزینه‌های دیگر به این اشاره شده که تواضع و فروتنی مایه ارزشمندی انسان است.



۱۹. گزینه ۳ پاسخ «۳» عبارت، بر «خویشتن داری» تأکید دارد که مفهوم ضرب المثل «صورت را با سلیلی سرخ نگه داشتن» را به یاد می‌آورد.
۲۰. گزینه ۱ بر این تأکید دارد که مقدار زیادی از مال این دنیا هم به این نمی‌ارزد که زیر بار منت افراد پست بروی (قناعت پیشه کنیم).
۲۱. گزینه ۳ معنی بیت داده شده: «گل به دلیل اشتیاقی که به تو دارد، شکفته می‌شود و به همین دلیل، رنگ‌های بی‌شماری دارد.» پس مفهوم کلی بیت، «عشق به خداوند در همه پدیده‌های هستی جلوه‌گر است» می‌باشد و در گزینه ۳، قآنی می‌گوید: عشق به خدا در تمامی پدیده‌های طبیعت دیده می‌شود که با مفهوم صورت سوال قرابت دارد. گزینه «۱»: عاشق امیدوار به فضل معشوق و عنایت خداوند است. گزینه «۲»: عاشق از معشوق می‌خواهد عشق را در وجودش جا دهد. گزینه «۴»: عاشق ناتوان از وصف معشوق است.
۲۲. گزینه ۴ مفهوم عبارت صورت سؤال «ناپایدار بودن شادی» است و این مفهوم در بیت گزینه «۴» دیده می‌شود.
۲۳. گزینه ۲ با توجه به مفهوم بیت صورت سؤال که «غرور و تکبر» است، این مفهوم را می‌توان در بیت گزینه «۲» دید. بررسی سایر گزینه‌ها: مفهوم بیت گزینه «۱»: «اگر به علم‌اندوزی بپرداز، جهان در دستان توست.» مفهوم بیت گزینه «۳» در این جهان کسی همانند من و تو، عاشق و معشوق یکدیگر نیستند.» مفهوم بیت گزینه «۴»: «آزاده مرد کسی است که دل به این دنیا نبسته باشد.» مفهوم مشترک ابیات ناچیز دیدن خود در برابر عظمت و شکوه است.
۲۴. گزینه ۲ مفهوم بیت گذرا بودن دوره عاشقان و رسیدن نوبت عاشقی به شاعر است ولی صورت سوال و سایر گزینه‌ها بر از دست رفتن دوره خوشی و خوبی اشاره دارد.
۲۵. گزینه ۳ مفهوم مشترک بیت و صورت سوال به خجالت نکشیدن از یادگیری توصیه می‌کند ولی ابیات دیگر به آموختن و فواید آن اشاره می‌کند.
۲۶. گزینه ۲ مفهوم بیت به کمال رسیدن قطره با رسیدن به دریاست ولی در صورت سوال قطره با رسیدن به دریا نیست می‌شود.
۲۷. گزینه ۳ مفهوم بیت سؤال «آفرینندگی خداوند» است. در گزینه یک نیز شاعر می‌گوید خداوند گوهر را از سنگ به وجود می‌آورد و مروارید را از دل صدف بیرون می‌آورد انسان را از گل خلق کرده است و از گیاه هم گل پدیدار می‌شود.
۲۸. گزینه ۱